قسمت اول

ترانه غم انگیز

بازخوانی یک پرونده جنایی

آرام از رختخوابش بیرون آمد و خیلی آهسته از اتاق خواب بیرون آمد. گوشه پرده را از روی پنجره کنار زد. مادرش آنقدر خسته بود که بیهوش گوشه سالن روی مبلی به خواب رفته بود. آهسته بدون اینکه سروصدا کند در را باز کرد ولی همین که خواست پایش را بیرون بگذارد صدای پدر سر جا میخکوبش کرد.

– کجا داری می روی؟ مگر این ساعت وقتی است که یک دختر از خانه بیرون برود؟

دختر با صدای گرفته گفت:

– مامان چی شده؟ می خواهم او را ببینم.

پدر دست های او را محکم در دست گرفت.

– خوب می دانی که چند سال است که مادرت مریض است. الآن هم همین طور است. من هم کمی دارو بهش دادم تازه خوابش برده است تو هم سعی کن مزاحمش نشوی. برو بخواب.

ترانه دوباره به رختخوابش برگشت. ولی خواب به چشمهایش نمی رفت. تمام سعی خودش را می کرد ولی بالاخره بعد از این پهلو به آن پهلو شدن به خواب رفت. در میان خواب وحشتناکی که می دید با سر و صدایی که از خانه می آمد، بیدار شد. چشمهایش را باز کرد. یک لحظه احساس کرد که دارد خواب می بیند ولی خواب نمی دید. خیلی ها به خانه شان آمده بودند. آرام وارد پذیرایی شد. هر کس در حال حرف زدن بود. ترانه نمی دانست که آنها در مورد چه چیزی حرف می زنند. یکی از زنان همسایه که متوجه ترانه شده بود فوری دستش را گرفته و با خودش برده بود.

ترانه را به آپارتمان خودش برده بود. همان جا بود که ترانه خواهر کوچولویش را هم دیده بود. کنار او نشست و بعد سرگرم بازی با او شد.

داخل پذیرایی خانه آنها جسد زنی جوان و لاغراندام افتاده بود. انگار ساعتها بود که او جان سپرده بود.

مرد در حالی که کنار جسد نشسته بود می گفت: زنم از سالها قبل دچار بیماری قلبی بود. دیشب هم ناگهان قلبش درد گرفت و قبل از اینکه کاری از دست من برآید، همه چیز تمام شد ولی چون نیمه شب بود من ناچار تا صبح صبر کردم.

حرفهای مرد به گونه ای بود که همه به او مظنون شده بودند. موسی به اتهام قتل عمدی همسرش دستگیر شد. ترانه هر چند که کم سن و سال بود ولی همه چیز را درک می کرد. صدای فریاد مادر و پیکر خون آلود او آخرین لحظات دیدار آنها را تشکیل می داد. مادری که عاشقانه ترانه و پروانه را دوست داشت و هر کاری می کرد تا آنها شاد شوند.

چند روزی دو خواهر در خانه همسایه ها بودند و بعد هم به خانه پدربزرگ رفتند. چند ماه گذشت. او هنوز آن لحظه را به یاد داشت. چند مأمور دستبند به دستانش زده بودند و او را با خود برده بودند. از آن به بعد دیگر هیچ خبری از پدر نبود هر چند که دلش می خواست در این مورد بداند ولی کسی حاضر نبود به سؤالات او جواب بدهد. فقط از میان حرفهای اطرافیان متوجه شده بود که پدرش به جرم قتل مادرش در زندان است.

آن روز عصر وقتی در زدند ترانه با بی میلی به طرف در رفت. وقتی در را باز کرد پدرش را پشت در دید. او مرتب و تمیز با دو بسته کادوپیچ شده پشت در بود. دخترک خود را در آغوش پدر انداخت. او هر چند خوشحال بود ولی گوش اش به حرفهای آرام و پنهانی پدر با پدربزرگ بود. هر چه که سعی کرد از حرفهای آنها سردربیاورد چیزی نمی فهمید وقتی پدر گفته بود: تبرئه شدم.

پروانه هم در حال بازی با اسباب بازی ای بود که پدر برایش خریده بود. هر چند که پروانه اکثر شبها و روزها را به دنبال مادر بود و بعد هم با بهانه گیری عرصه را بر همه تنگ کرده بود. کم کم او و ترانه فهمیده بودند که دیگر مادر هیچ وقت به خانه برنمی گردد. پروانه در پی مادر به هر کسی پناه می برد و او را به جای مادرش احساس می کرد. انگار او هم می خواست آن کابوس تلخ و مرگ مادر را فراموش کرده و از یاد ببرد.

روز بعد بود که پدر وسایلشان را جمع کرده بود.

– بچه ها به خانه خودمان می رویم.

وقتی به طرف خانه می رفتند پدر در تمام طول راه ساکت و آرام بود. انگار به چیز مهمی فکر می کرد. انگار او هم می دانست میان او و بچه هایش فاصله افتاده است.

بچه ها وقتی به خانه رسیدند برخلاف انتظارشان خانه تمیز و مرتب بود. اگر ترانه مطمئن نبود که مادرش مرده است، فکر می کرد که مادر به خانه برگشته و مثل آن روزها خانه را تمیز و مرتب کرده است.

چند لحظه بیشتر طول نکشید تا ترانه جواب سؤالش را پیدا کند. او ناگهان سایه زنی جوان را در میان آشپزخانه دید. او با لبخند به موسی سلام کرد.

– این ترانه دختر بزرگم است و آن هم پروانه دختر کوچکم. خودت خوب می دانی که آنها به محبت تو نیاز دارند.

پدر رو به بچه ها کرده و گفته بود:

– این هم مامان جدیدتان است. اسمش سهیلا است. هر طور که خواستید می توانید صدایش کنید.

زن و مرد هر دو خندیده بودند و کنار آنها نشسته بودند. زن بعد از دقایقی به آنها هدیه داده بود. با محبت آنها را حمام برده و تمیزشان کرده بود. لباسهای جدیدی تن شان کرده بود. غذا درست کرده و...

زن هر روز این کارها را تکرار می کرد. ولی با وجود تمام این کارها دو دختر به او توجهی نشان نمی دادند. هر چه او جلوتر می رفت، بچه ها بیشتر عقب می رفتند. انگار یاد مادر از ذهن آنها پاک نمی شد. ترانه خوب می دانست این زن که در خانه آنها راه می رود جای مادرش آمده است. او فکر می کرد این زن با محبت مصنوعی می خواهد جای مادرش را بگیرد.

چند ماه گذشت. دو بچه روز به روز بیشتر از زن فاصله می گرفتند. سهیلا تمام تلاشش را می کرد. او با وجود رفتاری که از ترانه و پروانه می دید باز هم به آنها محبت می کرد. بالاخره همین رفتار باعث شد تا بچه ها کم کم به او نزدیک شوند. انگار دیگر رنج بی مادری در چهره شان نبود. مرد خوشحال بود. از اینکه همسرش توانسته بود در دل بچه هایش راه پیدا کند سر از پا نمی شناخت. بچه ها به پدر زیاد کاری نداشتند. تمام کارهایشان را با زن در میان می گذاشتند. زن آنقدر سرگرم محبت به بچه ها بود که از خودش غافل شده بود. بالاخره هم مریض شده بود. حالا بچه ها در کنارش هر کاری می کردند او زودتر خوب شود.

دو سال گذشته بود. زندگی روال عادی اش را باز یافته بود. تا اینکه یک روز وقتی ترانه از مدرسه به خانه برگشته بود. صدای جروبحث پدرش را با سهیلا شنیده بود.

– چرا متوجه نمی شوی؟ هر کاری در این مدت کرده ام. خوب من چه گناهی کرده ام که باردار نمی شوی.

زن با دلخوری گفته بود:

– من گناهکارم؟ چون بچه دار نمی شوم!

پدر صدایش را پایین آورده بود.

– نه من که این حرف را نزدم ولی با سرنوشت که نمی شود جنگید.

زن با گریه گفته بود:

– تو هم از خدا می خواهی که کلفت بچه هایت باشم.

– این چه حرفیه که می زنی. تو خودت قبول کردی که در کنار آنها زندگی کنی.

– بله! ولی فکر نمی کردم از اینکه روزی من صاحب بچه نشوم خوشحال شوی و درصدد همین کار هم باشی.

حالا هم اگر می خواهی در کنارت زندگی کنم باید هر طور شده مراپیش دکتر ببری که بچه دار شوم.

– خودت خوب می دانی که ممکن نیست حالا هم به جای جدایی به زندگی فکر کن.

زن صدایش را بالاتر برده بود.

– بله تو به جدایی فکر نمی کنی. می خواهی شبی من را هم مثل زنت بکشی...

پدر صدایش را بالا برده بود.

– این چه حرفیه زن! او سرطان داشت و...

ادامه دارد

چراغ خطر

موتوسیکلت و گواهینامه رانندگی

عقل سلیم حکم می کند که قبل از کسب مهارت و اخذ گواهینامه رانندگی هر نوع وسیله نقلیه مبادرت به رانندگی با آن وسیله ننماییم و در قوانین موضوعه کشور نیز برای رانندگی بدون گواهینامه مجازات پیش بینی شده است. موتوسیکلت سواران نیز از این قاعده مستثنی نیستند. بنابراین هموطنانی که قصد دارند از این وسیله نقلیه موتوری برای عبور و مرور استفاده نمایند بایستی قبلاً با مراجعه به یکی از مراکز صدور گواهینامه موتوسیکلت، پروانه رانندگی مربوطه را اخذ و سپس مبادرت به رانندگی نمایند. ماده ۷۲۳ قانون مجازات اسلامی می گوید: هر کس بدون داشتن گواهینامه اقدام به رانندگی نماید برای بار اول به حبس تعزیری تا دو ماه یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال و یا هر دو مجازات و در صورت ارتکاب مجدد به دو تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد.

ضمناً در هنگام وقوع تصادف، فقدان گواهینامه از موارد تشدید مجازات بوده و راننده فاقد گواهینامه مقصر به بیش از دو سوم مجازات محکوم خواهد شد.

همچنین برای رانندگی با موتوسیکلت، اخذ گواهینامه مربوطه الزامی است و داشتن گواهینامه پایه دوم و یکم کافی و لازم نمی باشد.

آموزش دوران نوجوانی پسران بهترین فرصت برای پذیرش تدریجی ارزش های برابری جنسیتی

متأسفانه تلاشهای توسعه معمولاً متمرکز بر مردان یا زنان است، اما به ندرت به هر دو توجه می کنند. همکاری با مردان برای رسیدن به برابری ضروری است، هنجارها و الگوسازهای محدودکننده جنسیتی باعث محدود شدن فرصت ها برای هر دو جنس می شود، از این رو برابری جنسیتی پیشنهادی قابل قبول هم برای مردان و هم برای زنان است.

به گزارش ایسنا، بیماری همه گیر ایدز نقش حساس مردان را مورد تأکید قرار می دهد در نبود واکسن یا درمان برای ایدز تغییر رفتار مردان نقش اساسی در جلوگیری از انتشار ویروس اچ.آی.وی ایفا می کند. از آنجایی که مردان قدرت برتر اجتماعی و اقتصادی هستند، اغلب درباره تنظیم خانواده، فعالیت اقتصادی زنان خود و استفاده از منابع خانواده از جمله هزینه های دکتر و تحصیل تصمیم گیری می کنند.

مراقبت و حمایت یک شوهر فهمیده می تواند به بهبود نتایج بارداری و زایمان منجر شود و در موارد پیچیدگی و در هنگام نیاز زن به مراقبت های پزشکی فوری فرق بین مرگ و زندگی باشد.

همان هنجارهای جنسیتی که به زنان ستم و آزار می رساند مانع از رسیدن بسیاری از مردان به تمامی ظرفیت خود برای مراقبت، نگهداری و مسؤولیت در قبال خانواده و جامعه نیز می شود. هنجارهای اجتماعی که مردانگی «مطلوب» را اشاعه می دهد، می توانند باعث تشویق مردان و پسران به رفتارهای پر خطر شوند که هم به خود و هم به دیگران آسیب می رساند.

علاوه بر این نیازهای بهداشت جنسی و باروری مردان بسیار بی توجهی شده است، در سطح جهان شماری از اقدامات ابتکاری با هدف پیشگیری از اچ.آی.وی، بهداشت باروری و خشونت جنسیتی توانسته اند تعداد زیادی از مردان را در محیط کار و از جمله مؤسساتی مانند ارتش و پلیس تحت پوشش قرار دهند.

با این وجود در مقایسه با چالشی که برای تغییر رفتار جنسیتی در پیش روست این برنامه ها کوچک به نظر می رسد، کار با پسران نوجوان در دورانی از زندگی شان که هم سازنده و هم بالقوه خطرناک است بهترین فرصت را برای وارد کردن تدریجی ارزشهای برابری جنسیتی و تشویق نسل آینده مردان بزرگسال فراهم می کند تا هنجارهایی که باعث محرومیت خواهران، مادران، زنان و دختران آنها از حقوق انسانی شان شده است را مورد پرسش قرار دهند.

اطلاعیه دعوت
مجمع عمومی عادی سالانه صاحبان سهام
شرکت سرمایه گذاری توسعه آذربایجان (سهامی عام)

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام شرکت سرمایه گذاری توسعه آذربایجان یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می نماید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه شرکت که در ساعت ۹/۳۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۷ در محل سالن فتح خیبر به نشانی: تبریز، خیابان باغشمال با دستور زیر تشکیل می گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱- استماع گزارش هیأت مدیره و بازرسان قانونی شرکت درخصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۸۴/۶/۳۱
۲- تصویب ترازنامه، صورتحساب سود و زیان و اتخاذ تصمیم نسبت به تقسیم سود سال مالی منتهی به ۱۳۸۴/۶/۳۱
۳- انتخاب بازرسان قانونی
۴- تعیین روزنامه کثیرالانتشار
۵- سایر مواردی که در اختیار این مجمع می باشد.

از کلیه سهامداران محترم و یا نمایندگان قانونی آنان درخواست می شود برای دریافت برگ ورود به جلسه مجمع از تاریخ ۸۴/۱۰/۲۵ تا ۸۴/۱۰/۲۶ با در دست داشتن اصل اوراق سهام و کارت شناسایی یا وکالتنامه معتبر و یا نمایندگی در ساعات اداری به محل دفتر مرکزی شرکت واقع در تبریز، خیابان ۱۷ شهریور جدید، اول منصوریه، شماره ۴۹ مراجعه نمایند.
سهامداران محترم برای کسب اطلاعات بیشتر می توانند با شماره تلفنهای ۵۵۳۰۷۱۰ و ۱۱ (۰۴۱۱) دفتر مرکزی شرکت در تبریز و یا ۸۸۷۲۰۹۲۵و۲۶ (۰۲۱) دفتر تهران تماس حاصل نمایند.
تذکر: برای دریافت برگ ورود به جلسه مجمع، برای نمایندگان اشخاص حقیقی وکالتنامه ثبتی و برای نمایندگان اشخاص حقوقی معرفینامه رسمی و آخرین تغییرات ثبتی شرکت لازم می باشد.

هیأت مدیره
شرکت سرمایه گذاری توسعه آذربایجان
(سهامی عام)

وزارت نیرو
شرکت سهامی آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی
بسمه تعالی
آگهی
دعوت به همکاری

شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی در نظر دارد عملیات ردیابی خودروهای امداد و حوادث مناطق تبریز (سیستم GPS) را به شرکتهای دارای توانایی فنی و تجهیزات پیشرفته مربوطه واگذار نماید. لذا بدینوسیله از کلیه شرکتهایی که دارای مجوز مربوطه از مراجع ذیربط می باشند دعوت می گردد که یک نسخه تصویر مصدق از کلیه اسناد و مدارک مربوط با موضوعات فوق الذکر را تا مورخه ده روز پس از انتشار این آگهی به دفتر قراردادهای شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی تحویل نمایند تا متعاقباً از شرکتهای ارزیابی شده برای همکاری دعوت به عمل آید. در صورت نیاز به راهنمایی با گروه مطالعات آب به حساب نیامده شرکت تماس حاصل نمایند.

شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی

راحتیران
راحتیران مقدم شما را جهت بازدید از جدیدترین تولیدات این شرکت در پانزدهمین نمایشگاه بین المللی مبلمان اداری و منزل، گرامی میدارد.
زمان: ۲۱ الی ۲۴ دیماه ۱۳۸۴، سالن ۱۰ - ۱۱ - ۲۰
تلفن ۸۸۹۵۳۸۳۹

وزارت نیرو
شرکت آب و فاضلاب اهواز
نوبت دوم
آگهی مناقصه
شماره ۱۱۲۳/۴/م

شرکت آبفای اهواز در نظر دارد، اقلام مشروحه ذیل را
۱) واترجت بر روی شاسی 809 ۱ دستگاه
مشخصات فنی: HD120/120 با پمپ هیدرولیک ساخت اروپای غربی (سرامیکی) با مخزن حدوداً ۵۰۰۰ لیتر
را با مشخصات مندرج در اسناد مناقصه خریداری نماید.
لذا از کلیه تولید کنندگان و فروشندگان معتبر دعوت می شود برای دریافت اسناد مناقصه از تاریخ درج آگهی به مدت ۷ روز با ارایه اصل رسید واریز مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال (غیرقابل استرداد) به حساب جاری ۱۱۶۶ نزد بانک صادرات فلکه اول کیانپارس (کدبانک ۲۳۰۷) در ساعات اداری برای دریافت اسناد مناقصه به نشانی اهواز، کیانپارس، خیابان شهید هدایت نبش خیابان پنجم ساختمان اداری ۳۳۸۶۵۱۲-۰۶۱۱ مراجعه نمایند. ضمناً کارفرما در رد یا قبول یک یا تمامی پیشنهادات ارائه شده مختار می باشد. هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه است.

روابط عمومی و آموزش همگانی
شرکت آبفای اهواز

بسمه تعالی
وزارت جهاد کشاورزی
سازمان چای کشور
در حال تصفیه
جمهوری اسلامی ایران
آگهی مزایده بین المللی

سازمان چای کشور (در حال تصفیه) در نظر دارد، مقدار یک هزار تن چای شکسته معمولی و یک هزار تن چای باروتی تولید داخل خود را از طریق مزایده عمومی (مخصوص صادرات) به فروش برساند. کلیه شرکتهای داخلی و خارجی و نمایندگیهای خارجی متقاضی خرید می توانند برای اخذ فرم شرایط شرکت در مزایده و رؤیت نمونه ها حداکثر تا تاریخ ۸۴/۱۱/۱۴ به نشانی: بلوار میرداماد، میدان مادر، خیابان شهید شاه نظری، کوچه نظام شماره ۳۴، تلفن ۲۲۲۲۸۸۶۳ آقای پرویز احسانی مراجعه و پیشنهادات خود را حداکثر تا آخر وقت اداری مورخ شنبه ۸۴/۱۱/۱۵ به واحد امور قراردادهای سازمان به نشانی فوق تحویل نمایند.

سازمان چای کشور (در حال تصفیه)

بسمه تعالی
شرکت ملی صنایع پتروشیمی
شرکت سهامی پتروشیمی بندر امام
نوبت دوم
مناقصه عمومی
شماره م ن ۸۴/۲۶۹

شرکت خوراک پتروشیمی بندر امام (سهامی خاص) وابسته به شرکت سهامی پتروشیمی بندر امام در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را به شرح مشخصات ذیل، از طریق برگزاری مناقصه عمومی خریداری نماید.
مشخصات اقلام مورد نیاز:
تیوب برای مبدل EA-281 واحد PVC
MATL: L0305-ST-358 IDIN7175
SIZE: 38*2.8*7515mm
QTY: 2500 NO.
تضمین شرکت در مناقصه به میزان ۵٪

مبلغ پیشنهادی می باشد. مهلت دریافت اسناد مناقصه یک هفته از تاریخ انتشار نوبت دوم. محل دریافت اسناد: تهران، خیابان گارگر شمالی، بالاتر از تقاطع قافلی، ساختمان شماره ۳۱۰، طبقه سوم، تلفن: ۶۶۹۴۴۴۲۷ یا استان خوزستان، بندر امام خمینی، مجتمع پتروشیمی بندر امام، ساختمان دفتر مرکزی، اتاق ۲۱۵
تلفن: ۰۶۵۲۲۵۵-۲۲۳۳-۵۳۳۸
www.hpc.rcg.ir, www.ahana.ir

روابط عمومی شرکت سهامی پتروشیمی بندر امام